

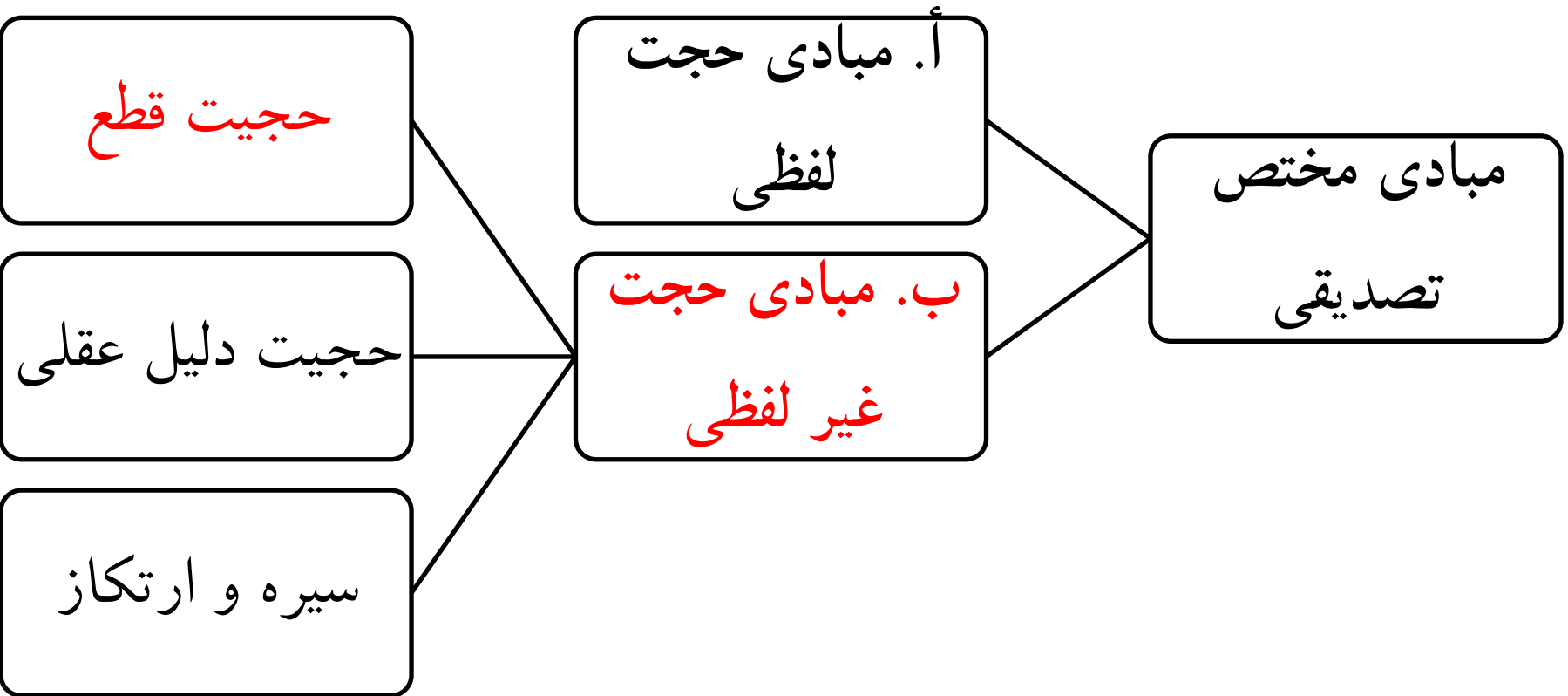
علم أصول الفقه

٢٨-١١-٩١ مبادئ مختص تصديقي ٤٨

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

ب. مبادی حجت غیر لفظی

- مبادی مختص به حجت غیر لفظی که قطع، عقل، ارتکاز و سیره را در بر می‌گیرد و آن را در سه فصل عرضه می‌کنیم:
- ۱. حجیت قطع
- ۲. حجیت دلیل عقلی
- ۳. سیره و ارتکاز



۱. حجیت قطع

- حجیت قطع، بحثی غیر اصولی
- حجیت قطع بعد از شیخ انصاری به عنوان یک مسأله‌ی مهم در علم اصول مورد بحث قرار گرفت. قبل از وی، این بحث به شکلی که او سامان داد، وجود نداشت، هرچند جزو مسلمات بود. در واقع مسأله‌ی قطع و توسعه‌ی آن از ابداعات شیخ انصاری است.

۱. حجیت قطع

- بعد از او، دیگران به پیروی از او این بحث را در اصول به عنوان یکی از بحث‌های اصولی مطرح کردند و هیچ کدام توجهی به اصولی نبودن این بحث نداشتند. البته با مراجعه به آثار اصولی قدما متوجه می‌شویم کمتر اصولی-ای به اصولی بودن یا نبودن مباحث مطرح شده، توجه کرده است. عموماً آنها چنین دغدغه‌ای نداشتند.

۱. حجیت قطع

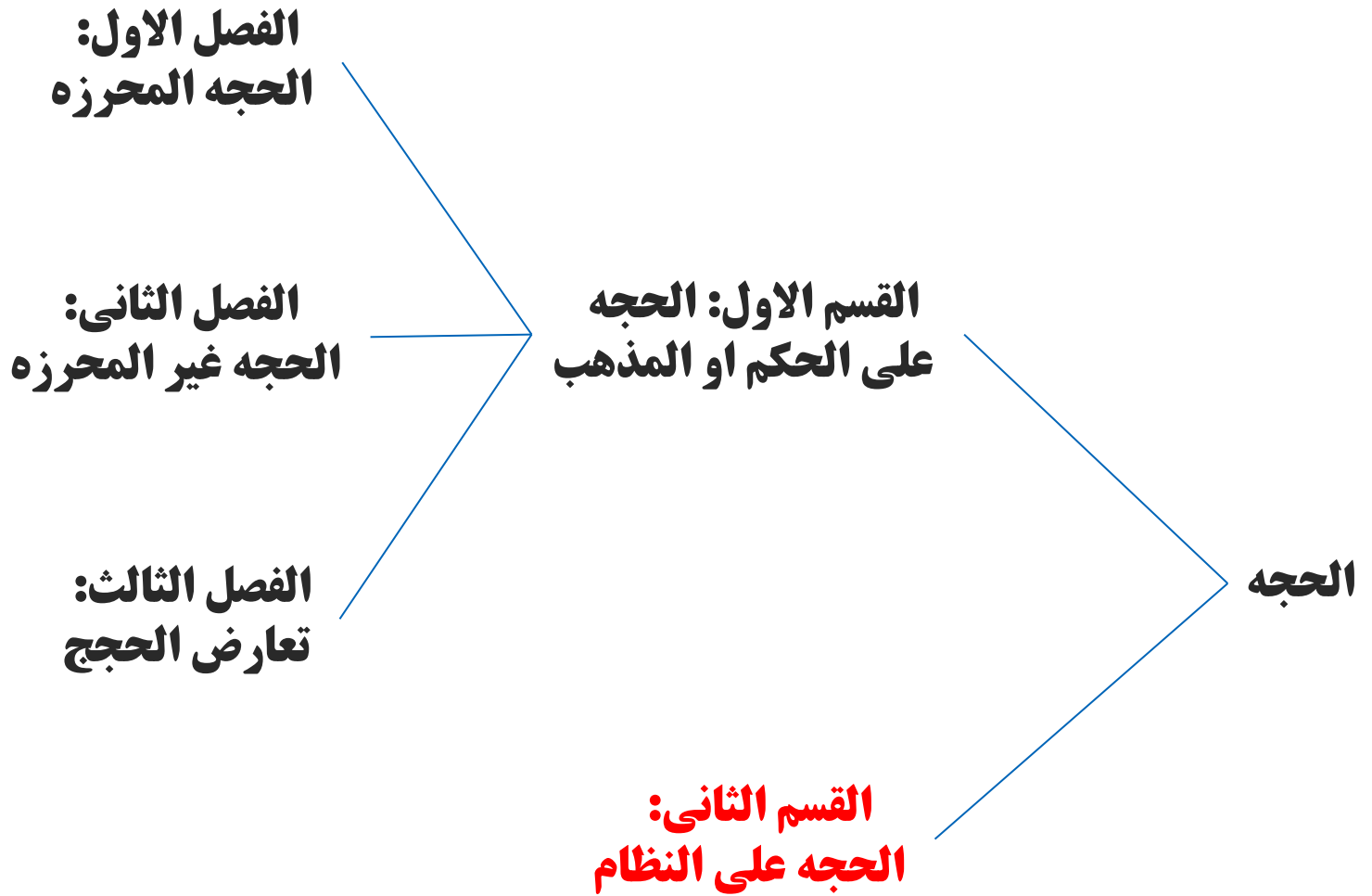
- متأخرین بیشتر به این مطلب پرداخته‌اند و در بین آنها شهید صدر بیشترین اعتنا را داشته است. وی تقریباً در هر بحثی به خصوص در جایی که بحث محل تردید بوده، ابتدا اصولی بودن آن را مورد بررسی قرار داده است.

۱. حجیت قطع

- البته شهید صدر در بحث قطع، اصولی نبودن این مبحث را مطرح نمی‌نماید و فقط به اشاره می‌گوید:
- ما قبلاً در مورد معیار اصولی بودن یک مسأله بحث کرده‌ایم و دیگر به آن نمی‌پردازیم.
- اما در بحث تعریف علم اصول ضمن بحث نتیجه می‌گیرد:
- مباحث قطع به علم اصول ارتباط ندارد؛ زیرا در قیاس استنباط قرار نمی‌گیرد.

۱. حجیت قطع

- بدیهی است از آنجا که ما جایگاه این بحث را در مبادی تصدیقی علم اصول فقہ - یعنی در فلسفهی علم اصول فقہ و خارج از چارچوب خود علم - مطرح می‌کنیم، باید ابتدا اصولی نبودن این بحث را مورد بررسی قرار دهیم.



حجیت قطع، بحثی غیر اصولی

- همان طور که در قبل گفتیم معیار اصولی بودن یک مسأله آن است که:
- اولاً به بابی از ابواب فقه اختصاص نداشته و قابلیت طرح در تمام ابواب فقه را دارا باشد
- و ثانیاً به نحوی از انحا در ناحیهی حکم یا موضوع یا متعلق، مجعول شرعی باشد.

حجیت قطع، بحثی غیر اصولی

- قطع اگر چه به باب خاصی از ابواب فقه اختصاص ندارد و در تمامی ابواب قابل طرح است؛ اما حجیت آن از حیطه‌ی جعل شرعی خارج است. شارع نه می‌تواند حجیت آن را اثبات کند و نه می‌تواند آن را نفی نماید. حجیت برای یقین به تفصیلی که در آینده بیان می‌نماییم، ضروری و به تعبیر شیخ انصاری، ذاتی است.

حجیت قطع، بحثی غیر اصولی

- در پرتو قطع نمی توان به یک حکم فقهی جدید منتهی شد که قبل از قیاس فقهی برای ما معلوم - یا به تعبیر دیگر حجت - نباشد و بعد از قیاس استنباط، آن حکم، معلوم - یا به تعبیر دیگر حجت - شده باشد.
- وقتی مثلاً یقین داریم عدل واجب است، معنای عبارت این است که از نظر شارع باید ملزم به عدل باشیم. وجوب مطرح در این حکم، شرعی است؛ اما حجیت یقین، حجیت شرعی نیست.